



Cultural Criminology Teachings and its Relation to Committing Crime

Mojtaba Arab¹, Mohammad Rouhani Moghaddam^{*1}, Mahdi Khaghani Esfahani³

1. Ph.D Student, Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, The Institute for Research and Development in the Humanities (SAMT), Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 169-182

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-8619-507X

TELL: +982331656565

Email: M.rouhani@semnaniau.ac.ir

Article history:

Received: 12 Oct 2021

Revised: 15 Nov 2021

Accepted: 30 Jan 2022

Published online: 20 Feb 2022

Keywords:

Cultural Criminology,
Culture, Crime.

ABSTRACT

Today, many criminologists consider the effective role of cultural structures, especially mass media, in the occurrence of crime. From the perspective of cultural criminology, in addition to the criminal act itself, the crime scene, the news and the media representations associated with it are also important. In its analytical approach to crime, this criminology has a special emphasis on the meaning, symbols, and emotions affecting crime. The important role that can be given to culture and its influence in the legal arena is the role of normative culture. Normalizing society through culture is one of the things that can help prevent crime. The social prevention of crime is realized by altering the cultural structures of society and social relations and effective intervention in cultural and social variables. Cultural environment as the main space for occurrence and analysis of phenomena has a significant impact on the components of social crime prevention.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Arab, M; Rouhani Moghaddam, M & Khaghani Esfahani, M (2022). "Cultural Criminology Teachings and its Relation to Committing Crime". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(5): 169-182.



مقدمه

۱۹۷۰ در انگلستان و جرم‌شناسی معاصر در ایالات متحده است، زیرا جرم‌شناسی فرهنگی بر رویکرد سیستماتیک به‌علاوه استفاده از نظریه فرامردن‌گرایی، شامل مجموعه ذهنی است؛ در این معنا، جرم‌شناسی فرهنگی به‌جای دوگانگی شکل و محتوای مدرنیست‌ها، از دیدگاه پست‌مدرنیست‌ها استفاده می‌کند که معتقدند فرم همان محتوا و سبک است، جوهره و معنا از نحوه رفتارهای فردی و گروهی ناشی می‌شود. از این‌منظر، مطالعه جرم، سفر به داخل صحنه جرم و قدم‌زدن در راهروی آینده‌ها ضروری است؛ مکانی که در آن تصاویر متعددی منعکس می‌شود که توسط مجرمان، خرده‌فرهنگ‌های جنایتکار، عوامل کنترل‌کننده، شبکه‌های رسانه‌ای و مخاطبان آن‌ها ایجاد شده و از آینده‌ای به آینده دیگر منعکس می‌شود. از منظر جرم‌شناسی فرهنگی، علاوه‌بر خود عمل مجرمانه، صحنه جرم، اخبار و بازنمایی‌های رسانه‌ای مرتبط با آن نیز حائز اهمیت است.

ظهور جرم‌شناسی فرهنگی به‌عنوان یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی محصول بی‌ثباتی‌های عمیق در جهان از دهه ۱۹۸۰ است. این شرایط باعث شد مفاهیمی چون تولید، مصرف و فرهنگ معانی مختلفی به خود بگیرد، در نتیجه هدف اصلی این دوره تاریخی که در اوایل دهه ۱۹۹۰ در قالب جرم‌شناسی فرهنگی به پایان رسید، تحولی سریع بود که منجر به نوآوری در حوزه فناوری و تمرکز ثروت و قدرت در دست برخی افراد شد. این موضوع مفهوم «تفاوت» را به مهم‌ترین بخش در تحلیل اجتماعی تبدیل کرد. به این ترتیب حوزه جرم‌شناسی شاهد شکل‌گیری گرایش‌های جدیدی بود که با رویکردهای سنتی متفاوت بود و یکی از این گرایش‌های بدیع جرم‌شناسی فرهنگی بود. جرم‌شناسی فرهنگی بیش از جرم‌شناسی سنتی با پدیده‌های دنیای مدرن سازگاری دارد. نظریه‌پردازان جرم‌شناسی سنتی در دنیای زندگی می‌کنند که افراد به‌دلیل نارسایی‌های روانی، زیستی و اجتماعی به ارتکاب جرم تمایل دارند و یا به‌دلیل انتخاب‌های منطقی مجرم می‌شوند (Ferrell et al, 2004: 5).

تاریخچه جرم‌شناسی فرهنگی به اواخر دهه ۱۹۹۰ برمی‌گردد. در ایالات متحده آمریکا، به پلیس گزارش شده است که

روان‌شناسان اجتماعی، جرم و کج‌روی‌ها را سربچی از هنجارها، رسم‌ها، سنت‌ها و قوانین جامعه می‌دانند. رسم‌ها، سنت‌ها و قوانین هر جامعه به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌های فرهنگی آگاهانه یا ناآگاهانه‌ای است که از نسل‌های قبل به نسل‌های بعد منتقل می‌شود، مورد احترام است و تجاوز به آن جرم محسوب می‌گردد. فقر فرهنگی عامل دیگری است که خانواده و اعضای آن را تهدید می‌کند، فقر فرهنگی عدم اطلاع از قوانین و حقوق رایج در جامعه است. این ناآگاهی از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، انسان را وادار به انجام عملی می‌کند و تصور می‌کند که می‌تواند از شر آن خلاص شود (ستوده، ۱۳۸۳: ۵۵). فقر فرهنگی نقش اساسی در ایجاد جرم دارد. دزدها اکثراً بی‌سواد هستند و افراد بی‌سواد به‌دلیل نبود امکانات رشد فکری از سایر روش‌های فرهنگی، مثلاً توانایی‌های بدنی برای پیشرفت خود استفاده می‌کنند. ساترلند در تبیین علل وقوع جرم به‌عوامل قومیتی، مهاجرت، ناسازگاری برخی گروه‌ها و عدم رشد خرده‌فرهنگ‌ها توجه دارد و جرم و جنایت را مشکلی ناشی از تضاد فرهنگی می‌داند.

۱- نظریه‌های مورد بررسی در جرم‌شناسی فرهنگی

۱-۱- تعریف جرم‌شناسی فرهنگی

جرم‌شناسی فرهنگی یک تحلیل رو به رشد است که امروزه بسیاری از جرم‌شناسان نقش مؤثر ساختارهای فرهنگی، به‌ویژه رسانه‌های جمعی را در وقوع جرم در نظر می‌گیرند (Ferrell, 1999: 396). جرم‌شناسی فرهنگی سعی در معرفی دیدگاه‌های مطالعات فرهنگی در جرم‌شناسی معاصر دارد. بخش عمده‌ای از مطالعه جرم‌شناسی فرهنگی از دیدگاه‌های مختلفی توسعه پیدا کرده است که از دهه ۱۹۷۰ نشأت گرفته از دیپارتمان مطالعات فرهنگی در بیرمنگهام و جرم‌شناسی مدرن بریتانیا است. فعالیت افرادی مانند «هدیج»، «هال» و «جفرسون» انسان‌شناسان فرهنگی با پویایی خرده‌فرهنگ مجرمانه و اهمیت نمادگرایی آشنا هستند. به همین ترتیب مطالعات «کوهن»، «یانگ» و «هال» بر درک معاصر نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری جرم تأثیر گذاشته است. البته جرم‌شناسی فرهنگی به‌عنوان یک رویکرد ترکیبی بیش از یک سنتز مطالعات فرهنگی در دهه‌های

گروهی از نوجوانان شروع به ساخت فیلمی کرده‌اند که در آن سعی می‌کنند فعالیت‌های خشونت‌بار فیزیکی خود را در ویدیو برای انتشار در اینترنت ثبت کنند. چندی بعد، برخی از مردم درحالی‌که با نور درخشان بر ساختمان دولت در ایالت آواکاسا اعتراض داشتند، دستگیر شدند تا نیت خود را اعلام کنند. هر دوی این رویدادها که در زمره اولین پدیده‌هایی بودند که از دیدگاه جرم‌شناسی فرهنگی مورد بررسی قرار گرفتند، نشان می‌دهند که معنای جرم در پویایی فرهنگی قرار داده شده است (Ferrell et al, 2008: 3)، زیرا در وهله اول آنچه مورد استفاده بازیگران قرار می‌گیرد، فضای مجازی، دنیای گسترده‌تر رسانه و تولید فیلم و همه ابزارهای فرهنگی است؛ این بدان معنا است که چنین فیلم‌هایی برای مصرف‌کنندگان محصولات رسانه‌ای معانی خاصی دارند؛ در مورد دوم، به جای استفاده از روش‌های معمول، معترضان برای به تصویر کشیدن کلمات انتقادی خود از نور استفاده کردند، یعنی آن‌ها به هنر به عنوان بخشی از فرهنگ متوسل شده‌اند. یکی از موضوعات مهم در حوزه جرم‌شناسی فرهنگی درک این مسأله است که چگونه این زمینه با یک مفهوم به نام «کاپیتالیزم» در تعامل است. نظریه پردازان فرهنگی عقیده دارند که سرمایه‌داری جهانی باید به عنوان یک دینامیک عمیق در نظر گرفته شود که در بسیاری از مثال‌های جنایی معاصر شکل گرفته‌اند. از این نقطه نظر، سرمایه‌داری اساس همه جنایات است (Ferrell et al, 2008: 14). از دیدگاه جرم‌شناسی فرهنگی، یکی از دلایل افزایش میزان جرائم در نظام سرمایه‌داری این است که جامعه مصرف‌کننده امروزی رقابت میان مردم در روابط شخصی را تشویق می‌کند و روحیه فردگرایی با ابزارهای رسانه‌ای را تقویت می‌کند. همین دیدگاه است که این رویکرد را زیر چتر جرم‌شناسی انتقادی قرار می‌دهد. ازسوی دیگر، این جرم‌شناسی در رویکرد تحلیلی خود به جرم، تأکید ویژه‌ای بر معنا، نمادها و عواطف و عواطف مؤثر بر ارتکاب جرم دارد. طی مباحث بعدی و در خلال بحث جایگاه رسانه در جرم از منظر جرم‌شناسی فرهنگی، این موارد به‌طور ملموس تبیین خواهد شد. جرم‌شناسی فرهنگی با رویکرد انتقادی به جرم‌شناسی سنتی می‌گوید که دیگر نمی‌تواند برای درک جرم

به آن نظریه‌ها تکیه کند. یکی از تحولات جهان امروز، حضور روزافزون انواع رسانه‌های جمعی در زندگی روزمره مردم است. زندگی روزمره ما پر از رادیو، تلویزیون، روزنامه، کتاب، اینترنت، فیلم، موسیقی، مجلات و ... است. در قرن بیست و یکم، ما توسط محیط وسیعی از «رسانه‌های جمعی» هدایت می‌شویم که در تاریخ بشر بی‌سابقه است. رسانه‌های جمعی، مانند هوایی که تنفس می‌کنیم، در هر موقعیتی که تصور کنید، وجود دارد. از آغاز زندگی، رسانه‌ها مردم را در گنجینه‌ای عظیم از اطلاعات قرار داده‌اند، حتی می‌توان گفت که مردم دوباره متولد می‌شوند و افکار و ارزش‌های جدید را می‌آموزند. به عبارت دیگر رسانه‌ها تأثیر زیادی بر افکار عمومی دارند. به عبارت دیگر رسانه‌ها درک ما از جهان پیرامون خود را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این مورد، جرم‌شناسی فرهنگی به عنوان رویکردی نظری مطالعات فرهنگی، درک ساده‌انگارانه‌ای از رابطه جرم و رسانه و معنای جرم در یک نظام بازنمایی به جای گذاشته است (الله‌وردی و فرجیها، ۱۳۹۳: ۱۲). گرچه جرم‌شناسی فرهنگی هنوز در مراحل ابتدایی خود قرار دارد و آثار درازمدت آن را بعداً خواهیم دید، اما در حال حاضر تأثیر زیادی بر شیوه‌های ایجاد رابطه بین جرم، رسانه و فرهنگ داشته است (جوکر، ۱۳۹۴: ۵۱). از دیدگاه جرم‌شناسی فرهنگی، رسانه‌ها جرم را کالایی می‌دانند که باید به مشتریان رسانه (مخاطبان) عرضه شود. درواقع رسانه‌ها توجه ویژه‌ای به نحوه ارائه یک «داستان جنایی» و انجام این کار با تحریف و دستکاری تصویر جنایت دارد. بنابراین میراث فرهنگی جرم را نه یک پدیده واقعی، بلکه یک پدیده رسانه‌ای دانسته است (William & McShane, 2014: 229) امروزه نادیده گرفتن نقش رسانه‌ها در ارتباط با جرم و جنایت دشوار است. در نتیجه جرم‌شناسی فرهنگی به عنوان نظریه‌ای که رویکردی انتقادی به پژوهش‌های پیشین دارد، براساس مبانی پست‌مدرن او و البته متأثر از دیدگاه‌های مارکسیستی، می‌خواهد رسانه‌های جمعی و نقش آن‌ها در جرم و جنایت را به تأخیر بیندازد.

۱-۲- محرومیت نسبی

اساس این تئوری بر مقایسه بین افراد و گروه‌ها قرار دارد. هنگامی که افراد طبقات پایین یک جامعه، شرایط زندگی خود

را با اقشار مرفه مقایسه می‌کنند، احساس محرومیت نسبی، سرخوردگی، ناکامی و ناخرسندی می‌کنند. ناکامی مستمر که ناشی از این مقایسه است سبب ایجاد پرخاشگری، بی‌اعتمادی و خصومت سرکوب شده، می‌گردد که در نهایت سبب بروز انواع جرایم و خشونت‌ها در جامعه می‌شود (پروین و محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۴۱).

۱-۳- نظریه کنترل اجتماعی

کنترل اجتماعی ادامه فرآیند اجتماعی شدن است. جامعه‌پذیری باعث انطباق می‌شود یا به‌طور کامل‌تر و بهتر می‌توان گفت که جامعه‌پذیری نوعی انطباق اختیاری و اختیاری است، اما زمانی که انطباق به‌صورت داوطلبانه صورت نگیرد، ساخت کنترل اجتماعی برای انتقال، تحمیل و اجرای هنجارها و انتظارات اجتماعی عمل می‌کند، استفاده می‌شود (فرانتی، ۱۹۹۵: ۲۷۶).

کنترل اجتماعی به ساخت آثاری اطلاق می‌شود که جامعه از آن‌ها برای سازگاری اعضای خود و جلوگیری از ناسازگاری استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، کنترل اجتماعی به مجموعه عوامل محسوس و نامحسوس اطلاق می‌شود که جامعه برای حفظ استانداردهای خود از آن‌ها استفاده می‌کند و مجموعه موانعی که بر سر راه جلوگیری از انحرافات اجتماعی قرار می‌دهد و در نهایت، کنترل اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادین دانست که جامعه در اختیار دارد و برای اطمینان از انطباق رفتاری اعضای خود با اصول و مقررات از پیش تعیین‌شده و مصوب استفاده می‌کند (دوب، ۱۹۸۸: ۱۳۷).

۱-۴- مکتب تحقیقی

مکتب رئالیسم مبتنی بر اصل درک علمی جرم و جرم‌شناسی است. این مکتب فرض می‌کند که بین یک فرد عادی و یک فرد منحرف تفاوت مشخصی وجود دارد. این مکتب در عین حال به دنبال بررسی معیارهای خاصی است که موجب بروز رفتارهای انحرافی یا مجرمانه می‌شود. یکی از پایه‌های مکتب رئالیستی این است که رفتاری که شخص انجام می‌دهد، از پیش تعیین شده است. به این معنی که درواقع فعالیت و رفتار افراد توسط عوامل و نیروهای خارج از کنترل

فرد شکل می‌گیرد. پس درواقع رفتار فرد نشان‌دهنده تأثیر عوامل خاصی بر فرد است، زیرا ممکن است این عوامل بیرونی درواقع ریشه در عوامل زیستی، روانی یا اجتماعی داشته باشند. این مکتب به‌جای اینکه افراد جامعه را افرادی با توانایی‌ها و حقوق مساوی بداند، بر تفاوت‌های افراد تأکید می‌کند که این تفاوت‌های فردی، شرایط متفاوت و متنوعی را بر فرد نشان می‌دهد. بنابراین بحث اصلی در این مکتب به جای اینکه در مورد فعل مجرمانه باشد، بر سر ماهیت و ویژگی‌های شخصیتی مجرم است.

۱-۵- نظریه آنومی (بی‌هنجاری) دورکیم

دورکیم مفهوم آنومی یا بی‌هنجاری را جهت روحیه مردم جامعه‌های شهری ابداع کرد. وی نابهنجاری را یکی از ویژگی‌های اجتماعی دانست که در آن هنجارها مبنای ثابت و محکمی ندارند و مردم نمی‌دانند از آن‌ها چه انتظاری می‌رود و وظیفه آن‌ها چیست. درواقع نابهنجاری وضعیتی آشفته در جامعه است که در آن هنجارها از بین رفته یا در تضاد قرار گرفته‌اند. جامعه‌ای که در آن نابهنجاری گسترده وجود دارد در معرض خطر مبارزه است، زیرا اعضای جامعه دستورالعملی برای دستیابی به اهداف مشترک ندارند و اغلب احساس اضطراب و سرگردانی می‌کنند (ستوده، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

۲- مفهوم جرم‌شناسی فرهنگی و ارتباط با فرهنگ غالب جامعه

جرم‌شناسی فرهنگی، نماینده دیدگاهی است که توسط «جف فرل»^۱ و «کاینتون سندرز»^۲ بیان شده است. این دیدگاه به بررسی همگرایی فرآیندهای فرهنگی و جنایی در زندگی اجتماعی معاصر می‌پردازد. جرم‌شناسی فرهنگی به‌طور کلی‌تر به تحلیلی روبه‌رشد اطلاق می‌شود که امروزه بسیاری از جرم‌شناسان نقش مؤثر ساختارهای فرهنگی و به‌ویژه رسانه‌های جمعی را در وقوع جرم می‌دانند، دارند. جرم‌شناسان فرهنگی تلاش می‌کنند دیدگاه‌های مطالعات فرهنگی را وارد جرم‌شناسی کنند. بسیاری از مطالعات جرم‌شناسی فرهنگی از دیدگاه‌هایی که در دهه ۱۹۷۰ از دانشگاه مطالعات فرهنگی در بیرمنگام و جرم‌شناسی مدرن ایتالیا سرچشمه گرفته‌اند.

^۱- Jeff Ferrell

^۲- Clinton Sanders

حقوق مؤثر باشد، می‌توانیم محورهایی را برای این تأثیر تصور کنیم. به‌عنوان مثال، نقش آگاهی از فرهنگ که می‌تواند شرایط مساعد ناآگاهی از قوانین و مقررات قانونی را از بین ببرد، باید به‌عنوان ابزاری برای آگاهی یا یکی از منابع و مقدمه‌های اجباری پیشگیری از جرم در جامعه مطرح شود.

نقش دیگری که می‌توان به فرهنگ و تأثیر آن در عرصه حقوقی نسبت داد، نقش هنجارگذاری فرهنگ است. عادی‌سازی جامعه از طریق فرهنگ یکی از مواردی است که می‌تواند به پیشگیری از وقوع جرم کمک کند. یکی دیگر از محورهایی که فرهنگ می‌تواند در آن مؤثر باشد، نقش فرهنگ به‌عنوان بستر است که می‌تواند به‌عنوان بستر مناسبی برای تدوین هنجارهای قانونی یا مسائل مربوط به پیشگیری مورد استفاده قرار گیرد.

نقش نهادسازی فرهنگ انکارناپذیر است. ازسوی دیگر، نقش آسیب‌شناختی فرهنگ نیز می‌تواند ما را در برخورد با مسائل اجتماعی و مشکلات پیشینه فرهنگی جرم یاری کند. اگر آسیب‌شناسی اجتماعی را با ابزار فرهنگ انجام دهیم، طبیعتاً می‌تواند به ما کمک کند تا راه‌حلهایی را بشناسیم و از آن‌ها برای پیشگیری از جرم استفاده کنیم.

پیشگیری اجتماعی از جرم با دگرگونی در ساختارهای فرهنگی جامعه و روابط اجتماعی و مداخله مؤثر در متغیرهای فرهنگی و اجتماعی تحقق می‌یابد. محیط فرهنگی به‌عنوان فضای اصلی وقوع و تحلیل پدیده‌ها بر مؤلفه‌های پیشگیری از جرم اجتماعی تأثیر به‌سزایی دارد. روند جهانی شدن فرهنگ با ایجاد تغییرات فرهنگی، اجتماعی و هویتی به‌عنوان متغیرهای پیشگیرانه، ظرفیت‌های پیشگیری از جرایم اجتماعی را با چالش‌های جدی مواجه کرده و موجب شده است که نظام پیشگیری از وقوع جرم در سطح ملی با مسائل جدید و جهانی مواجه شود، قرار داده شود (روجک، ۱۳۹۰: ۸۸).

۴- پیشینه جرم‌شناسی فرهنگی به‌مثابه یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی پسامدرن

جرم‌شناسی فرهنگی بیشتر از جرم‌شناسی سنتی با پدیده‌های دنیای مدرن سازگاری دارد. نظریه‌پردازان جرم‌شناسی سنتی

فعالیت افرادی چون «هبدیج»، «هال» و «جفرسون»، جرم‌شناسی فرهنگی را با پویایی خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه و نیز اهمیت نمادگرایی و سبک، آشنا ساخته است. به‌همین نحو، مطالعات «کوهن»، «یانگ» و «هال» بر درک معاصر از نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری جرم تأثیر گذاشته است، البته جرم‌شناسی فرهنگی به‌عنوان یک گرایش ترکیبی بیش از ترکیبی از مطالعات فرهنگی دهه ۱۹۷۰ در بریتانیا و جرم‌شناسی معاصر آمریکایی است، زیرا جرم‌شناسان فرهنگی علاوه بر استفاده از دیدگاه مطالعات فرهنگی، به تصویر و سبک نیز توجه دارند و علاوه بر آن از نوآوری‌های ذهنی پست‌مدرنیسم نیز بهره می‌برند؛ این به این معنی است که جرم‌شناسی فرهنگی به‌جای دوگانگی شکل و محتوای مدرنیست‌ها، از دیدگاه پست‌مدرنیست‌ها که اعتقاد دارند شکل به‌همان اندازه محتوا و سبک، ماهیت و معنا از روش رفتار فردی و گروهی نمایش داده می‌شوند، استفاده می‌کند.

ظهور جرم‌شناسی فرهنگی به‌عنوان یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی محصول بی‌ثباتی عمیقی است که از دهه ۱۹۸۰ در جهان رخ داده است. این منجر به مفاهیمی مانند تولید، مصرف و فرهنگ شد (ذکایی، ۱۳۹۱: ۹۹)، نتیجه این دوره تاریخی که منجر به جرم‌شناسی فرهنگی در اوایل دهه ۱۹۹۰ شد، تغییرات سریعی بود که با نوآوری در زمینه فناوری و تمرکز ثروت و قدرت در دست عده‌ای خاص همراه بود. از این‌رو حوزه جرم‌شناسی شاهد گرایش‌های جدیدی بوده که با رویکردهای مرسوم متفاوت بوده و یکی از رویکردهای بدیع جرم‌شناسی فرهنگی بوده است.

انسان‌ها موجوداتی هستند که فرهنگ خود را خلق می‌کنند و این فرهنگ و به‌ویژه یکی از پدیده‌های آن، رسانه‌ها را باید در تبیین فعالیت‌های انسانی، ازجمله فعالیت‌های جنایی در نظر گرفت.

۳- مبانی نظری جرم‌شناسی فرهنگ در پرتو تبیین تعامل بزه و فرهنگ

اگر بپذیریم که فرهنگ در اعتلای حقوق مؤثر است و بالعکس، قانون نیز در اعتلای فرهنگ مؤثر است، شاید بتوان گفت در نقش اول، یعنی زمانی که فرهنگ بتواند در اعتلای

می‌کند (فارال و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۹). همین دیدگاه است که این رویکرد را زیر چتر جرم‌شناسی انتقادی قرار می‌دهد. ازسوی دیگر، این جرم‌شناسی در رویکرد تحلیلی خود به جرم، بر معنا، نماد و احساسات و عواطف مؤثر بر ارتکاب جرم تأکید ویژه‌ای دارد.

از آنجایی که جرم‌شناسی فرهنگی یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی پست‌مدرن است، ابتدا باید پست‌مدرنیسم را توضیح داد و سپس کمی جرم‌شناسی پست‌مدرن را توضیح داد تا پس از آن بتوانیم جرم‌شناسی فرهنگی را بررسی کنیم.

تعدد و حتی تعارض نظریات و دیدگاه‌های بیان‌شده به‌حدی است که شاید بهتر باشد به‌جای جرم‌شناسی از جرم‌شناسی یا نظریه‌های جرم‌شناسی صحبت شود. درعین‌حال، اختلاف و تضاد در افکار، مانع از جمع‌شدن اندیشمندان خاص در زیر یک واحد فکری نمی‌شود. در بسیاری از کتاب‌هایی که در موضوع جرم‌شناسی نوشته شده است، معمولاً چندین مکتب جرم‌شناسی، ازجمله جرم‌شناسی مارکسیستی، طرفدار صلح یا عدالت ترمیمی و جرم‌شناسی پست‌مدرن تحت عنوان جرم‌شناسی انتقادی قرار می‌گیرد و به‌عنوان یک چتر که مجموعه‌ای از چشم‌انداز نکات است. موضوعات در حال تحول و نوظهور را پوشش می‌دهد و به‌ویژه با این استدلال که تفکیک ارزش‌ها از برنامه‌های پژوهشی غیرممکن است و ویژگی آن لزوم ترویج برنامه‌ای مترقی به نفع مردم محروم است.

این رویکردها بحث‌های خاصی را در مورد منابع قدرت در جوامع مطرح می‌کند. مارکسیسم قدرت را در مالکیت ابزار تولید قرار می‌دهد، پست‌مدرنیسم آن را در کنترل سیستم‌های زبانی، فمینیسم آن را در مردسالاری و عدالت ترمیمی آن را در استبداد کیفری قرار می‌دهد. هریک از این رویکردها به‌طور ضمنی بر این باورند که تنها در صورتی مشکل جرم حل می‌شود که این ساختارهای قدرت دگرگون شوند و ازاین‌رو با مجموعه برنامه‌های سیاسی مرتبط باشند که دگرگونی اساسی اجتماعی را دربر می‌گیرد.

در دنیایی زندگی می‌کنند که افراد یا به‌دلیل کمبودهای روانی، زیستی و اجتماعی به سمت جرم گرایش پیدا می‌کنند و یا پس از انتخاب گزینه‌های منطقی، بزه‌کار می‌شوند و به‌همین ترتیب این نکته در نظر آنان نادیده گرفته می‌شود که انسان موجودی است که خود و این فرهنگ و به‌طور خاص یکی از پدیده‌های آن فرهنگ را ایجاد می‌کند، یعنی این رسانه‌ها هستند که باید فعالیت‌ها را تبیین کنند.

تاریخ جرم‌شناسی فرهنگی به اواخر دهه ۱۹۹۰ بازمی‌گردد، جایی که در ایالات متحده آمریکا، به پلیس گزارش شد که گروهی از نوجوانان شروع به ساخت فیلمی کردند که در آن سعی کردند فعالیت‌های خشونت‌آمیز فیزیکی را رسماً برای انتشار در اینترنت ثبت کنند. چندی بعد، برخی از مردم در طی اعلام اعتراضات خود با پرتاب نور به ساختمان دولتی در ایالت اوکلاهما برای ابراز نظر خود دستگیر شدند. هر دوی این رویدادها که از اولین پدیده‌هایی بوده‌اند که از منظر جرم‌شناسی فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، نشان می‌دهند که معنای جرم در پویایی فرهنگی قرار می‌گیرد، زیرا در مورد اول، آنچه مورد استفاده عاملان قرار گرفته است، فضای مجازی، دنیای وسیع رسانه و تولید فیلم است که همگی ابزار فرهنگی هستند. این بدان معناست که چنین فیلم‌هایی برای مصرف‌کنندگان محصولات رسانه‌ای از سازندگان معانی خاصی دارند؛ در مورد دوم، به‌جای استفاده از روش‌های معمول، معترضان برای به تصویر کشیدن کلمات انتقادی خود از نور استفاده کردند، یعنی آن‌ها به هنر به‌عنوان بخشی از فرهنگ متوسل شدند.

یکی از زمینه‌های مهم در زمینه جرم‌شناسی فرهنگی، درک چگونگی تعامل این حوزه با مفهومی به نام سرمایه است. مردم‌شناسان فرهنگی معتقدند که پایتخت جهانی را باید پویایی عمیقی دانست که بسیاری از پرونده‌های جنایی معاصر شکل گرفته است. از این منظر سرمایه اساس همه جرایم است. جرم‌شناسی فرهنگی یکی از دلایل افزایش نرخ برخی جرایم در نظام سرمایه این است که جامعه مصرفی امروزی به رقابت بین افراد در روابط شخصی دامن می‌زند و با استفاده از ابزار رسانه‌ای روحیه فردگرایی روحیه فردگرایی را تقویت

از دهه ۱۹۵۰ به بعد، نظریه‌های مدرن و مثبت جرم‌شناسی به دلیل نگاه یک‌جانبه و نزدیک‌بودن به علوم طبیعی مورد انتقاد جدی قرار گرفت و در دهه ۱۹۷۰ با ظهور جرم‌شناسی انتقادی، این انتقادات به اوج خود رسیدند. از این دهه به بعد، نظریه‌های جدید بر سه مؤلفه ذهنیت، قدرت و گفتمان تأکید کردند. برچسب‌زنی، تعارض، رویکردهای پست‌مدرن و فمینیستی و جرم‌شناسی فرهنگی از مهم‌ترین رویکردهای انتقادی در تبیین جرم است که این سه ویژگی را در قلب خود دارند (والک لیت، ۱۳۸۶: ۱۷۷)، البته جرم‌شناسی پست‌مدرن انتقادی است، اما فراتر از سایر جرم‌شناسی‌های انتقادی است، زیرا رویکردهای دیگر، روند مدرنیته و جرم‌شناسی مدرن را نقد نمی‌کنند، بلکه جرم‌شناسی پست‌مدرن، کل مدرنیته و نگاه کنترل‌کننده آن را بررسی می‌کند. اگرچه جرم‌شناسی به‌طور سنتی به‌عنوان مطالعه علمی علل جرم شناخته می‌شود، اما واضح است که پارادایم جرم‌شناسی انتقادی در مسیر دیگری قرار دارد، این نوع جرم‌شناسی بیشتر مبتنی بر اقتصاد سیاسی و تشکیل دولت‌های ملی است. در رویکردهای انتقادی جرم چیزی نیست که بتوان آن را به‌صورت ساده با اشاره به چیستی یا نبودن آن توصیف کرد، جرم رفتار ساده‌ای نیست که خلاف قانون باشد، بلکه موضوعی است که از طریق فرآیندهای تعاملی واکنش اجتماعی و قدرت ایجاد می‌شود.

پست‌مدرنیست‌ها رابطه فاعل انسان و زبان را در ایجاد معنا، هویت، عدالت، قدرت و دانش بررسی می‌کنند. به نظر آن‌ها واقعیت اجتماعی شناور دائماً در حال ایجاد است و از طریق زبان و نظام گفتمانی بر برخی افراد مسلط است و نظرات و ارزش‌ها از طریق زبان دستکاری می‌شوند. واقعیت موجود وضعیتی است که در آن گفتمان یا مسلط است یا مخالف. هدف پست‌مدرنیسم حرکت به سمت وضعیتی است که تعداد زیادی از گفتمان‌های مختلف مشروع شناخته شوند (ویلیامز و مکشین، ۱۳۸۸: ۶۵). عنصر دیگری که پست‌مدرنیسم بر آن تأکید دارد، رسانه است که منجر به رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی شد. سلطه رسانه در شکل‌دادن فرهنگ یک موضوع کلی در ادبیات پست‌مدرنیستی است. رسانه‌ها قدرت تسلط بر معانی را دارند، بنابراین آن‌ها می‌توانند یک مسأله را به‌عنوان

در مورد تولد پست‌مدرنیسم باید گفت که شناخت جرم‌شناسی پست‌مدرن چیست و چگونه نیازمند شناخت کلی و مختصر اندیشه پست‌مدرن است. هیچ توافقی درباره آغاز و پایان مدرنیته وجود ندارد و به اعتقاد برخی، پس از رنسانس فرهنگی و به عقیده برخی، از انقلاب صنعتی یا ظهور سرمایه‌داری و بازار آزاد در قرن ۱۸ و از عصر عصر روشنگری، دوره مدرنیسم آغاز شد و در پایان نیمه اول قرن بیستم نیز به پایان رسید (مگوایر و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹۰). برای درک اصول پست‌مدرنیسم، مناسب است برخی از شعارهای عصر مدرن را به اختصار مرور کنیم؛ رشد شهرنشینی، گسترش و توسعه علوم جدید، پیدایش نهادهای اجتماعی، سیاسی و آموزشی جدید، پیدایش حوزه عمومی برای بحث و گفتگو درباره موضوعات مورد علاقه همگان، نابودی تدریجی نظام‌های سنتی، جدایی دین از نظام‌های سیاسی، حضور مردم در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، ایجاد حقوق فردی برابر برای همه، حاکمیت نظام‌های حقوقی و گسترش نظام‌های دموکراتیک، ازجمله آن‌ها است. به عبارت دیگر، سیر مدرنیته را می‌توان با جستجوی پاسخ به پرسش‌های ذهنی و کلی با استفاده از عقلانیت و حکمت و روش‌های علمی و امکان نظام‌سازی، انتقال و انعکاس علم، سیر به‌سوی حقیقت دانست و اطلاعات به‌دست‌آمده از طریق زبان شناسایی نمی‌شود. ازسوی دیگر پست‌مدرن اصول مذکور را مخدوش و آسیب‌پذیر و نوعی سراب می‌داند (نیکوکار و همت‌پور، ۱۳۹۱: ۵۴)، درحالی‌که مدرنیست‌ها به‌دنبال دستیابی به نوعی تعقل و خردند، پست‌مدرن‌ها به تعداد بی‌شماری از نظم‌ها و هنجارها و نفی کلیت و مطلق‌بودن عقل اعتقاد دارند.

پست‌مدرن، با ساختارشکنی اصول پذیرفته‌شده به شیوه خود، نشان می‌دهد که معانی و مفاهیم در جهان مادی نسبتاً ناپایدار هستند. بنابراین مفاهیم واحد یا کلی مانند حکومت و قانون یکی می‌شوند و کثرت‌گرایی بر تجمع و یکپارچگی و فردگرایی بر وحدت و وحدت غلبه می‌یابد. پست‌مدرن‌ها نه‌تنها پوزیتیویسم را رد می‌کنند و ادعا می‌کنند که مدرنیته دیگر رهایی بخش نیست، بلکه آن را نیرویی می‌دانند که برای انقیاد و انقیاد، ظلم، تهاجم و سرکوب استفاده می‌شود.

مدنظر قرار دادند (عابدی تهرانی و افشاری، ۱۳۹۲: ۱۵۵). در بیشتر تحقیقات جرم‌شناسی، بررسی‌ها به‌عنوان نقطه کانونی مطالعات در نظر گرفته شد که هدف آن تبیین ابعاد مختلف تجارب قربانی، برخورد او با این تجربیات و ترس از جرم بود. بنابراین در پی این بررسی‌ها، پدیده نگرانی و ترس از جرم متولد شد. پس از آن، مفاهیم ترس از جرم و ترس اخلاقی وارد حوزه مطالعات جرم‌شناسی شد. جرم‌شناسان فرهنگی می‌گویند: باتوجه به اینکه ترس‌های اخلاقی، به‌ویژه از طریق فعالیت‌های رسانه‌ای، می‌تواند پیامدهای قاطعی بر مفاهیم جرم و بزه‌دیدگی در ذهن مردم داشته و حتی به کشف سبک زندگی در طول زمان منجر شود و در میان آنان فرهنگ ویژه‌ای به‌شمار می‌رود که در تحلیل این مفاهیم در دوره تحلیل جرم مناسب است. اهمیت مقاله زمانی دوچندان می‌شود که توجه داشته باشیم که ترس‌های اخلاقی رواج‌یافته در جامعه این توانایی را دارد که حتی مسؤولان نظام عدالت کیفری را در درک مفاهیم جرم و کنترل آن تحت تأثیر قرار دهد.

ازسوی دیگر، براساس تحقیقات متعدد، گاهی برخی فناوری‌ها باعث ایجاد احساس امنیت در افراد می‌شوند، یعنی احساس رهایی از خطر و آسیب‌دیدگی. تلفن‌های همراه برای افرادی که بیماری‌های مزمن دارند و همچنین افرادی که در موقعیت‌های ناشناخته و نامطمئن قرار دارند، احساس امنیت ایجاد می‌کند.

در حال حاضر باوجود استفاده از ابزارهای فنی، استفاده از روش‌های غیرقانونی و اجرای اقدامات خودتنظیمی، اثرات پیام‌های ناخواسته همچنان ادامه دارد. ازاین‌رو ضرورت وضع قوانین به‌ویژه اقدامات کیفری برای مقابله با پدیده پیام‌های ناخواسته سایبری احساس می‌شود، اما مقابله در حوزه کیفری مستلزم مجموعه‌ای از مبانی قانونی است تا براساس آن بتوان جرایم را انجام داد. توضیح اصول اولیه برای هر کشور متفاوت است. به‌عبارت دیگر، اثرات یک پدیده در کشورهای مختلف یکسان نیست و هرگز نمی‌توان اصول یک کشور را در کشور دیگر اعمال کرد. باتوجه به فرهنگ، اقتصاد، سیاست و ساختارهای حقوقی و اجتماعی، مبانی نیز متفاوت است و

یک جرم یا چیز دیگری مطرح کنند. نورمن دنزین استعاره اجتماعی یک جامعه دراماتیک را پیشنهاد می‌دهد که از طریق آن جامعه به صحنه رسانه‌ای تبدیل می‌شود. جرم‌شناسی فرهنگی در اثر رویکرد پست‌مدرن به رسانه‌ها به دنیا آمده است. این رویکرد بر ساخت رسانه‌ای جرم تأکید می‌کند و رابطه به‌هم‌پیوسته بین نظام جنایی و رسانه‌های جمعی را تأیید می‌کند. جرم‌شناسی فرهنگی رویکردی مداخله‌گرایانه، روش شناختی و نظری در بررسی رسانه‌ای‌شدن جرم است که جرم‌شناسی و کنترل آن را در بستری فرهنگی قرار می‌دهد و جرم، نهادها و سازمان‌های مرتبط با کنترل جرم را محصولات فرهنگی می‌داند. جرم‌شناسی فرهنگی با تأکید بر موضوعاتی چون معنای موقعیتی، فرهنگ جوانی، هویت، فضا، سبک و فرهنگ رسانه‌ای سعی در ایجاد نظریه‌ای پسامدرن و متأخر دارد.

رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی به تبیین تعاملات متعدد بین رسانه‌ها، عموم مردم، قانون‌شکنان و عوامل کنترل اجتماعی می‌پردازد که از طریق آن‌ها معانی جرم به‌طور جمعی ایجاد می‌شود.

به‌طور کلی باید گفت که رویکرد پست‌مدرن پارادایم بسیار متفاوتی با رویکرد ایجابی است و مفاهیم و ساختار نظری آن به‌شدت مورد تردید است. در گفتمان انتقادی، جنایت توسط افراد صاحب قدرت ایجاد می‌شود. افراد ضعیف‌تر خواسته یا ناخواسته درگیر آن هستند (پاک‌نهاد، ۱۳۹۲: ۱۸۰). راه حل این رویکرد برای معضل جرم، حذف قدرت تعیین‌کننده صاحبان قدرت است، گرچه رویکردهای انتقادی بیشتر به جنبه‌های ذهنی جرم می‌پردازند و تا حدی واقعیت جرم را نادیده می‌گیرند، اما برخی از ابعاد جرم و انحراف را می‌توان با این پارادایم بررسی کرد.

۵- تحلیل جرایم فضای مجازی از منظر تخدیش امنیت و افزایش ترس از جرم

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، تلاش‌های هماهنگی برای بازنگری در حقوق بزه‌دیده انجام شد. رفته‌رفته، توجه جرم‌شناسان به حوزه بزه‌دیده‌شناسی بیشتر شد تا جایی که متصدیان امر در عمل، مسائل بزه‌دیده را در نظام جزایی

منظری دیگر به رسانه‌ها نگاه می‌کنیم، یعنی رویکرد سلطه‌جویانه آن را حمایتی از اقتدارگرایی می‌داند که وحشت بزرگ‌شده جنایت را پرورش می‌دهد. جدا از این دو رویکرد، از نظر تحلیل محتوای، رسانه به‌عنوان یک اتاق کنترل فرهنگی و مکانی برای درگیری‌های ایدئولوژیک در نظر گرفته می‌شود. مطالعات انجام‌شده از این نقطه نشان می‌دهد که بسیاری از سهامداران به رسانه‌ها دسترسی دارند و بنابراین هیچ رقابتی برای ارائه دیدگاه‌های مختلف در سطح یکسان وجود ندارد. دیدگاه چهارم دیدگاه بسیاری از مردم رسانه، به‌ویژه رسانه‌های گروهی است که در زمینه تولید برنامه‌های سرگرمی کار می‌کنند و براین‌باورند که هر میزان جرمی که رسانه‌ها نشان می‌دهند، تأثیر چندانی ندارد (مگوایر و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۷۰-۲۶۸).

از دیدگاه لیبرال، رسانه‌ها دیدگاه‌های متنوع و متضادی را منعکس می‌کنند که از طریق آن‌ها فرد می‌تواند درک خود را شکل دهد. ازسوی دیگر، نظریه‌پردازان منتقد و مارکسیست معتقدند رسانه‌های جمعی براساس مجموعه‌ای از دیدگاه‌های سیاسی و فرهنگی مدیریت می‌شوند و کارکرد آن‌ها کمک به بازتولید اقتدار است «کارفرمایان اخلاقی» و گروه‌های صاحب قدرت در یک جامعه می‌باشد (O'Brein, 2008: 109).

دراین‌راستا، جرم‌شناسی فرهنگی با اعتقاد به تأثیر تصاویر و معانی رسانه‌ای بر ذهن و رفتار افراد جامعه، متعهد به استفاده از روشی برای تحلیل محتوای متون رسانه‌ای و به‌ویژه بررسی وحشت بزرگ‌شده جنایت و ترس اخلاقی ایجادشده در رابطه با این پدیده که محصول فرآیندهای رسانه‌ای است، می‌باشند. البته جرم‌شناسی فرهنگی در بخشی دیگر به‌لحاظ نگاه انتقادی خود و تا حدودی الهام‌گرفته از دیدگاه‌های مارکسیستی، به موضوع استفاده از ابزار رسانه‌ای توسط گروه‌های قدرتمند جامعه نیز توجه دارد که از آن‌ها به‌عنوان کارفرمایان اخلاقی یاد می‌کند. دراین‌راستا، جرم‌شناسان فرهنگی، مفهومی به‌نام «هژمونی» را در زمینه ترویج معانی خاصی از طریق رسانه توسط این کارفرمایان اخلاقی توسعه می‌دهند.

براین‌اساس، نوع جرم‌انگاری و تعیین مجازات از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. بی‌تردید جرم‌انگاری و تعیین مجازات بدون توجه به ساختارهای قانونی و اجتماعی و وجدان عمومی هر جامعه و تنها با در نظر گرفتن مبانی سایر کشورها، نوعی بی‌میلی جامعه به اجرای آن قانون و سکوت است، در نتیجه مصونیت از مجازات به‌دنبال خواهد داشت.

امروزه ترس از جرم (احساس ناامنی) به یک واقعیت اجتماعی متمایزکننده، حتی مهم‌تر از خود جرم تبدیل شده است. اکثر تحقیقات انجام‌شده دراین‌زمینه توصیفی بوده و تلاش نظام‌مند زیادی برای شناخت عوامل مؤثر بر آن به‌عنوان یک معضل اجتماعی صورت نگرفته است، اما نتایج این چند پژوهش نشان می‌دهد که احساس امنیت (روانی) به اندازه امنیت (عینی) در جامعه وجود ندارد. به‌هرحال ترس از جرم و ناامنی در سطوح خرد، متوسط و کلان متأثر از عوامل بسیاری است و یک مقاله فقط امنیتی و نظامی نیست (فارال و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

رسانه‌های جمعی با داشتن مخاطب زیاد، قدرت نفوذ و امکان استفاده از تکنیک‌های خاص به صورت مستقیم و غیرمستقیم، نقش به‌سزایی در تربیت افراد جامعه دارند. این آموزش‌ها همیشه منطبق بر هنجارهای جامعه نیست و گاه عمد یا ناخواسته انحرافات اجتماعی را آموزش می‌دهد و مرتکب جرم می‌شود و امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد.

۶- رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی به جرم و رسانه

در دنیای کثرت‌گرای امروز، به‌ندرت پیش می‌آید که فردی با هجمه رسانه‌ها مواجه نشود. منظور از هجمه رسانه‌ای، انبوه رسانه‌هایی است که برای مخاطبان اطلاعات تشکیل می‌دهند و از طریق امواج خود تصاویر و معانی مختلفی را منتشر می‌کنند (Ferrell et al, 2008: 123).

دیدگاه‌های متفاوتی در مورد جرایم ایجادشده توسط رسانه‌های جمعی وجود دارد که برخی از آن‌ها در تضاد با یکدیگر هستند. در این مورد، ما می‌توانیم به دو دیدگاه انتقادی اشاره کنیم. نگاه به رسانه‌ها از منظر سنتی مخرب، رسانه‌ها را تهدیدی برای قانون و اخلاق می‌داند، درحالی‌که از

اجتماعی انسان وارد مرحله جدیدی شده است و فضای مجازی که «زندگی دوم» انسان نامیده می‌شود، تولد یافته است، در نتیجه، انتقال جرم از فضای فیزیکی به فضای مجازی خارج از ذهن نیست. به عنوان مثال، گروه‌های مختلف با گرایش‌ها مجرم و انحرافی در این فضا توانایی رسیدن به هر بخشی از جهان را دارند، به هواداران و پیروان خود آموزش می‌دهند، اعضای جدید را جذب می‌کنند و افکار و نظرات عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

با ورود رایانه‌ها و گسترش هر روزه فضای مجازی و افزایش تعداد کاربردها، تکنولوژی جدید فرصت‌های جدیدی را برای مجرمین ایجاد کرده است. از این رو قانون‌گذار ایران به منظور مقابله مؤثر با این جرایم جدید قانون، «قانون جرایم رایانه‌ای» به تاریخ ۱۳۸۸/۰۳/۰۵ به تصویب رسانیده است و در فصل چهارم این قانون به «جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی» - که مورد بحث ما می‌باشد - پرداخته است. قانون‌گذار در فصل مذکور به رفتارهایی، از قبیل اشاعه، توزیع و تجارت مطالب مستهجن برای فساد و تجارت و نیز تشویق، تحریک و آموزش مردم به دستیابی به مواد منافی عفت و همچنین آموزش و تحریک مردم به ارتکاب جرایم پرداخته است، عفت یا استفاده از مواد مخدر یا روانگردان یا خشونت. این اقدامات مجرمانه نمونه‌هایی است که از منظر جرم‌شناسی فرهنگی قابل بررسی است. با این توضیح که مجرمین در پی انجام اعمال منافی عفت و اخلاق در جامعه با انتشار تصاویر و فیلم‌ها و متن‌های غیراخلاقی در فضای مجازی بر عقاید و اعتقادات کاربران تأثیر گذاشته و انحرافات خاصی را ایجاد کرده‌اند. رفتارها و جرم‌انگاری و بدنام کردن آن‌ها و با ارائه آموزه‌های ضداخلاقی و دینی باعث تخریب فرهنگ و اخلاق عمومی به‌ویژه در بین نسل جوان می‌شود. امروزه در فضای اینترنت شاهد رشد معضلات مجرمانه گسترده‌ای مانند «پورنوگرافی» کودکان و بزرگسالان هستیم (O'Brein, 2008: 93)، اگرچه هزینه‌نگاری عمومی در بسیاری از کشورها قانونی است، اما پورنوگرافی در بیشتر کشورها غیرقانونی است. علاوه بر این، هیچ تعریفی از پورنوگرافی در میان کشورهایی که آن را در فضای چندملیتی مانند اینترنت قانونی کرده‌اند، وجود ندارد، زیرا تنوع فرهنگی، اخلاقی و قانونی

جرم‌شناسی فرهنگی، داشتن دیدگاه انتقادی و با تعامل بین مفاهیم فرهنگ و قدرت در بررسی رسانه سروکار دارد. در اوایل دهه ۱۹۷۰ مفهوم هژمونی توسط «گرامشی» در مطالعات فرهنگی، موجب بازاندیشی درباره فرهنگ عامه گردید (استوری، ۱۳۸۹: ۲۰۱). مفهوم هژمونی مشخص‌کننده تقسیم منافع درون ائتلاف قدرت است (روچک، ۱۳۹۰: ۷۷-۷۵) و به معنای شرایطی است که از طریق آن یک طبقه اجتماعی بر سایر طبقات اجتماعی تسلط پیدا می‌کند (O'Brein, 2008: 93) و در این زمینه رسانه دارای نقش اصلی است. براساس هژمونی می‌توان گفت که معنا همواره میدان مذاکره و درگیری است؛ عرصه‌ای که در آن برخی گروه‌های اجتماعی هژمونی پیدا می‌کنند و برخی دیگر هژمونی خود را از دست می‌دهند، در نتیجه در مطالعات فرهنگی دو نگرش غالب در مورد فرهنگ عامه مطرح شده است. نگرش اول فرهنگ عمومی را فرهنگی تحمیلی توسط صنایع فرهنگ‌ساز سرمایه‌داری می‌داند که با وساطت رسانه‌ها گسترش می‌یابد. براساس دیدگاه دوم، فرهنگ عامه خود را از اعماق جامعه می‌جوшاند. اما در حال حاضر، روشی که از هژمونی در مطالعات فرهنگی استفاده می‌شود، این است که فرهنگ عامه برای مردم عادی کاملاً رایج نیست، نه به عنوان فرهنگی که فقط توسط صنایع فرهنگ سرمایه‌داری تحمیل می‌شود، بلکه به عنوان یک سازش مبتنی بر سازش است (استوری، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۱). در تمام تحقیقات، از جمله مقاله قبل که به نوعی به مطالعات فرهنگی مربوط می‌شود، باید به این موضوع پرداخت که چگونه باید توسط صنایع، قدرت‌ها و دولت‌های فرهنگی سرمایه‌داری برای مردم فرهنگ رسانه‌ای ایجاد کرد و از سوی دیگر نباید از نظر دور داشت که در برخی مواقع خود مردم عادی، خرده فرهنگ‌ها و گروه‌ها با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای مانند فضای مجازی یا شبکه‌های تلویزیونی، به‌ویژه در کشورهایی که شبکه‌های تلویزیونی خصوصی وجود دارد، استفاده می‌کنند یا شبکه‌های ماهواره‌ای الگوهای متنوع و متضادی را ترویج می‌کنند، معانی و نمادهای رفتاری که گاهی جرم هستند. این دیدگاه یکپارچه است که جرم‌شناسی فرهنگی با ایجاد شبکه‌های رایانه‌ای و ایجاد ارتباطات جهانی به فرهنگ رسانه‌ها می‌پردازد. زندگی

خاصی را در میان آنان ایجاد نماید، لازم است که این مفاهیم در دوره تحلیل جرم تحلیل شوند. اهمیت این مقاله دو برابر شده است، زمانی که توجه می‌کنیم که ترس‌های اخلاقی حاکم بر جامعه، توانایی تأثیرگذاری حتی مقامات نظام عدالت کیفری در درک مفاهیم جرم و کنترل آن را دارند.

به‌منظور بررسی عملکرد رسانه‌ها در پوشش اخبار و تصاویر جرم، چندین مطالعه نشان داده‌اند که رسانه‌ها تمایل دارند جنایاتی که به‌ندرت در واقعیت اتفاق می‌افتد را محکوم کنند.

ازجمله جرایمی که نسبت به نرخ واقعی پرداخت می‌شود، ارتکاب انواع خشونت‌های جسمی و جنسی است، درحالی‌که جرایم یقه سفید و جرایم بزرگ مالی به‌ندرت در رسانه‌ها گزارش می‌شود. در این وضعیت، چنین گزارش‌های اغراق‌آمیز موجب ترس اخلاقی از همه انواع جرایم می‌شود و گروه‌های خاصی مانند خرده‌فرهنگ جوانان و اقلیت‌های قومی و نژادی تهدیدی اساسی برای امنیت و نظم اجتماعی محسوب می‌شوند (O'Brein, 2008: 109-110). با ظهور جرم‌شناسی فرهنگی، تحلیل رسانه و مطالعه مفهوم ترس اخلاقی هسته اصلی این نظم شده است.

انسان‌شناسان فرهنگی بر این باورند که تولید ترس از جرایمی مانند جرایم خیابانی و انواع مختلف خشونت در حضار ناشی از نمایش گسترده و گسترده‌گی جرم در رسانه‌ها می‌باشد. این ترس از طریق داستان‌های جنایی غم‌انگیز یا در شرایطی پخش می‌شود که درام جرم در حال تبدیل شدن به یک سرگرمی است و باعث ایجاد حس لذت در بین تماشاگران می‌شود (Ferrell et al, 2008: 408) امروزه، ترس دیگر یک نهاد ثابت نیست، بلکه به‌سرعت در رسانه‌های مختلف حرکت کرده و به بسیاری از افکار حمله کرده است. علاوه بر خود جنایت، منشأ این ترس، رشد چشم‌گیر مشکلات اجتماعی مختلف و اتخاذ سیاست‌های سختگیرانه با شعار مبارزه با جرم است. امروزه، ما شاهد تولید مثل جرایم فراملی به‌دلیل حملات تروریستی در رسانه‌ها هستیم. حقیقتی که بر نقش رسانه‌ها در گسترش ترس از جرم تأکید دارد (فارال و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷). در این رابطه، مفهوم ترس اخلاقی برای تجزیه و تحلیل اثر رسانه‌های

تعریف محتوای جهانی را در یک جامعه جهانی دشوار می‌کند. بحث در مورد «محتوای ناپسند» همچنان ادامه دارد، زیرا قوانین حاکم بر این موضوع به‌طور قابل توجهی متفاوت است. برای مثال، در انگلستان، مردم به‌طور منظم تصویری را دریافت می‌کنند که ممکن است در بسیاری از کشورهای خاورمیانه بد تلقی شوند (ویلیامز، ۱۳۹۱: ۵۶). با افزایش تعداد اتاق‌های گپ‌زنی، گروه‌ها و وب‌سایت‌ها، اینترنت پلتفرم برای افراد کنجکاو و نوآور فراهم می‌کند و فضای مجازی بدون حد و مرز اجازه دسترسی فوری به این اتاق‌های گفتگو جنسی، ازجمله روابط بین بزرگسالان و کودکان را می‌دهد (ملک‌محمدی، ۱۳۹۴: ۱۱۰). در این رابطه، جرم‌شناسی فرهنگی معتقد است که تأثیر تنوع فرهنگی، مذهبی و ایدئولوژیکی در تعریف جرایم، ازجمله جرایم اخلاقی برجسته است؛ مثل سوءاستفاده و نمایش تصاویر بد که می‌تواند بر نگرش فرهنگی افراد نسبت به این موضوعات تأثیر بگذارد و یا با تحریک عواطف مخاطب و تحریک آن‌ها به رفتارها و رفتارهای انحرافی تشویق شود.

توسعه اطلاعات جدید، ارتباطات و تکنولوژی‌های رسانه‌ای اجتماعی در قرن بیست‌ویکم تغییرات عظیمی را در هویت شخصی و اجتماعی مخاطب به‌ویژه جوانان به‌جا گذاشته است. صرف‌کردن ساعت‌ها در فضای مجازی به‌عنوان دنیای جایگزین برای زندگی مردم این عصر و عصر با فروبردن آن‌ها در دنیایی از اطلاعات معتبر و غیرمعتبر و مجموعه‌ای از کالاهای فرهنگی، آن‌ها را به تجربه‌های خاص، ذهنیت و لذت تبدیل کرده است؛ این می‌تواند فرصت‌های بسیاری برای رفتارهای انحرافی و مجرمانه فراهم کند. بنابراین رشد روزافزون شبکه‌های اجتماعی و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن، مطالعه و دانش قیاسی این نوع رسانه‌ها را بسیار مهم و ضروری ساخته است.

۷- رسانه، جرم‌شناسی فرهنگی و نظریه ترس اخلاقی

جرم‌شناسان فرهنگی می‌گویند: با توجه به اینکه ترس‌های اخلاقی، به‌ویژه از طریق فعالیت‌های رسانه‌ای، می‌تواند پیامدهای قاطعی بر مفاهیم جرم و بزه‌دیدگی در ذهن مردم داشته باشد و حتی در طول زمان، سبک زندگی و فرهنگ

علاوه بر پرداختن به خرده فرهنگ‌های جنایی، بر پویایی رسانه‌های جمعی متمرکز است. آموزش‌ن دادن فرهنگ جامعه را می‌توان به صورت تخصصی و علمی برای پیشگیری از وقوع جرم مطرح کرد و با ارائه آن به نهادهای مسؤول، فرهنگ را به عنوان مهم‌ترین ویژگی اجتماعی در کنترل بزه کاری و رفتارهای ناشایست مورد استفاده قرار داد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- استوری، جان (۱۳۸۹). *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه*. ترجمه حسین پاینده، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاه.

- الله‌وردی، فرهاد (۱۳۹۳). *رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی به عدالت کیفری جوانان*. رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، نام استاد راهنما محمد فرجیها، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

- الله‌وردی، فرهاد و فرجیها، محمد (۱۳۹۳). «جرم‌انگاری رسانه‌ای: رمزگذاری و رمزگشایی مستند شوک». *مجله جهانی رسانه*، ۹(۱): ۱-۱۷.

- ایون، جوکر (۱۳۹۴). *رسانه و جرم*. ترجمه محمدتقی نوری، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

جمعی بر نگرانی‌های عمومی درباره جرم و اینکه چگونه این گزاره گویی در راستای اهداف ایدئولوژیکی مورد استفاده قرار می‌گیرند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. **استوارت هال** در مطالعات فرهنگی بریتانیا مورد استفاده قرار گرفته است. او تولید وحشت اخلاقی را علیه دزدان سیاه کشف کرده است. به طور مشابه، **پیرسون**، این مفهوم را در حوزه کج‌روی در میان جوانان بریتانیا شرح داده است (فارال و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۶-۷۸).

از نقطه نظر وحشت اخلاقی، چیزی در نتیجه کمی اتفاق می‌افتد، اما رسانه‌ها آن را با عظمت توصیف می‌کنند، به نحوی که افراد درگیر در آن به عنوان یک شیطان فرهنگی معرفی می‌شوند و جامعه از آن‌ها ترس اخلاقی غیرمعمول دارد، اما در این مورد، ما نباید سهم انرژی خلاق و شدت احساسات جمعی را فراموش کنیم که در انعکاس چنین حوادثی مؤثر هستند.

نتیجه‌گیری

در جامعه ایران آسیب‌های فرهنگی زیادی وجود دارد که افراد را به سمت ارتکاب ناهنجاری سوق می‌دهد. از سوی دیگر، با درک اینکه فرهنگ، هدایتگر رفتار انسان است، می‌توان فرهنگ‌های ارزشی یا سازنده‌ای را برای پیشگیری از جرم و انحراف در جامعه ایجاد کرد. اگر زمان و مسیر فرهنگ‌سازی و تولید فرهنگ طولانی باشد، می‌توان فرض تغییر فرهنگ‌های مجرمانه را در نظر گرفت و تغییر فرهنگ‌های جنایی را به عنوان روشی مؤثرتر برای دستیابی به هدف پیشگیری دانست. نظریه‌های زیادی در جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی در مورد راه‌حل‌های فرهنگی پیشگیری از جرم وجود دارد که برخی از آن‌ها بر روی افراد و دیگران در جامعه متمرکز هستند. مدل کنترل داخلی و ممنوع کردن شر، حس امنیت، مدل کنترل اجتماعی و بسیاری از تئوری‌ها راه‌حل‌های فرهنگی برای پیشگیری از جرم دارند. جرم‌شناسی فرهنگی، به عنوان یک گرایش جدید در جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و عدالت کیفری، تقارن فرهنگ و فرایندهای بزه کاری در زندگی اجتماعی معاصر را مورد بررسی قرار می‌دهد. بخشی از معنای فرهنگ از منظر این جرم‌شناسی،

- بوی، ریچارد (۱۳۸۲). *روانکاوی فرهنگ عامه*. ترجمه حسین پاینده، تهران: انتشارات طرح نو.
- پاک‌نهاد، امیر (۱۳۹۲). «احساس ناامنی و ترس از جرم». *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۰(۵): ۱۵۵-۱۸۰.
- پرت، جان (۱۹۹۲). *عوامل‌گیری کیفری (بسترها، عوامل و آثار)*. ترجمه هانیبه هژبرالساداتی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- جاوید، نورمحمد و شرافتی‌پور، جعفر (۱۳۸۵). «بررسی انتشار اخبار خشونت‌آمیز در مطبوعات و تأثیر آن بر احساس ناامنی». *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ۲(۶).
- خرسندی بهشتی، حسن (۱۳۸۵). «تأثیر رفتار پلیس بر جلب اعتماد جوانان پسر دبیرستانی». *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ۲(۶).
- دوربو، امانوئل و گرانشه، آنیس (۱۳۹۳). *حقوق رسانه‌ها*. ترجمه مجید ادیب، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۹۱). «جرم‌شناسی فرهنگی و مسأله جوانان». *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۳(۱): ۵۸-۸۳.
- روجک، کریس (۱۳۹۰). *مطالعات فرهنگی*. ترجمه پرویز علوی، چاپ اول، تهران: انتشارات ثانیه.
- عابدی تهرانی، طاهره و افشاری، فاطمه (۱۳۹۲). «آسیب‌شناسی رسانه‌های تصویری در بروز خشونت در جوامع». *مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۱(۱): ۱۷۰-۱۹۷.
- فارال، استفن؛ جکسون، جاناتان و گری، امیلی (۱۳۹۲). *نظم اجتماعی و ترس از جرم در دوران معاصر*. ترجمه حمیدرضا نیکوکار، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- مگوایر، مایک؛ رینر، رابرت و مورگان، راد (۱۳۸۹). *دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد*. ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- نیکوکار، حمیدرضا و همت‌پور، بهاره (۱۳۹۱). *ترس از جرم*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- والک لیت، ساندرا (۱۳۸۶). *شناخت جرم‌شناسی*. ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- ویلیامز، پیفرانک و مکشین، ماری (۱۳۸۸). *نظریه‌های جرم‌شناسی*. ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.

ب. منابع انگلیسی

- Ferrell, J (1995). "Culture, Crime and Cultural Criminology". *Journal of Criminal Justice and Popular Crime*.
- Ferrell, J (1999). "Cultural Criminology". *Annual Review of Sociology*, 25: 395-418.
- Ferrell, J (2009). *Cultural Criminology, 21 Century Criminology*. London: SAGE Publications.
- Ferrell, J; Hayward, K & Young, J (2008). *Cultural Criminology: An Invitation*. London: SAGE Publications.
- O'Brien, M & Yar, M (2008). *Criminology: The Key Concepts*. Milton Park: Routledge.
- O'Brien, M (2005). "What is Cultural about Cultural Criminology?". *The British Journal of Criminology*, 45(5): 599-612.
- Presdee, M (2000). *Cultural Criminology and the Carnival of the Crime*. Milton Park: Routledge.
- Tillyer Marie, S & E.Eck, J (2009). *Routine Activity*. Thousand Oaks: SAGE Publications, Vol.1.
- Williams, F & McShane, M (2014). *Criminological Theory*. 6th ed., London: Pearson Education.